

جهانی شدن و چالش‌های پیشروی پیشرفت ایران

زهرا خیاط سرکار، سعید پور ولی اصل قریبه، فاطمه خیاط سرکار

چکیده

از اواسط قرن بیستم تکنولوژی ارتباطات (سمعی و بصری و فضای مجازی) آنچنان رشد و توسعه یافت که جهان را تبدیل به دهکده ای کوچک کرد، بگونه ای که اخبار اتفاقات در کوتاه ترین زمان ممکن به سمع و نظر همگان رسیده، فضای مکان های مختلف جهان تحت تاثیر قرار می دهد. از این رو در مقاله حاضر کوشش شده است که تاثیرات این پدیده را که جهانی شدن نامیده می شود بر پیشروی پیشرفت ایران مورد مطالعه قرار داده و راهکارهایی جهت کنترل و مدیریت صحیح آن ارائه نمائیم. البته عده ای از صاحب نظران بر آنگونه جهانی سازی معتقدند که پیش فرض محققین این اثر نیز هست. در این بین در پس جهانی شدن جریانی قرار دارد که آن را در جهت منافع خود گسترش داده، ارزش هایی را بسط می دهد که در بطن خود دارای منافع مادی یا معنوی برای نظام سرمایه داری است. در این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی به سبب کارکرد مثبتی که در انجام چنین پژوهش هایی دارد برگزیده شد و سه حوزه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را مد نظر قرار داده، عمده ترین تاثیرات جهانی شدن را بروز می دهد و نتیجه حاصل، پذیرش این پدیده و رویارویی علمی و هوشمندانه جهت گزینش ویژگی های مثبت و نقش آفرینی فعال در آن جهت تداوم پیشرفت ها و جهانی سازی آرمانهای انقلاب اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: جهانی سازی، تداوم پیشرفت ها، نظام سرمایه داری

۱. مقدمه

جهانی شدن یکی از اصلی‌ترین مسائلی است که در جهان امروز مطرح می باشد، پدیده ای که روز به روز در حال گسترش بوده و بیش از پیش برای همه ملموس تر می‌شود. البته در رابطه با جهانی شدن بحث و مناقشه میان صاحب نظران برقرار است، برخی بر یکسان شدن و برخی دیگر بر یکسان سازی نظر دارند. پیش فرض محققین در این اثر یکسان سازی است و بر همین اساس داده های پژوهش را سازمان دهی نموده ایم.

در مقاله حاضر عزم بر آن است که تأثیرات جهانی سازی بر تداوم پیشرفت ایران را از سه بعد اساسی (فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) مورد مطالعه قرار داده و راهکارهایی در خصوص چگونگی مواجهه با این پدیده و چالش‌های مبتلا به آن را بررسی کنیم.

۱- کارشناس ارشدشیمی تجزیه ، azadi1675@gmail.com

۲- کارشناسی جامعه شناسی ، s.pourvali0098@gmail.com

۳- کارشناس ارشد روانشناسی ، fkhayat94@gmail.com

نکته قابل ذکر اینکه برخی از جامعه‌شناسان جهانی سازی یا جهانی شدن را ذیل چهار عنوان (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نهادی) بررسی نموده‌اند. لیکن در این پژوهش ما به بررسی سه عامل اصلی و حیاتی (فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) پرداخته و مباحث نهادی را در بخش سیاسی ادغام کرده، و اشاره‌های کوتاهی به آن نموده ایم. امید است کوشش‌های محققین گامی هر چند کوچک در راستای پیشرفت و توسعه ایران اسلامی باشد.

۲. اشاره‌ی نظری:

۲.۱. چیستی جهانی شدن:

از پدیده‌ی جهانی شدن تعاریف بسیاری ارائه شده است که در زیر به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱- «مک گرو» در خصوص جهانی‌سازی چنین می‌گوید: «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولت‌ها دامن می‌گسترند و نظام جدید جهانی را می‌سازند جهانی‌سازی به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع و بخش‌های بسیار دور کره زمین در برداشته باشد» [۲].

۲- «دیوید هلد» در کتاب دموکراسی و نظم جهانی، با داشتن نگاه آسیب‌شناختی به جهانی سازی این پدیده را حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهانی شهری می‌بیند که در عین حال، کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت [۳].

۳- «جورج ریتزر» جهانی شدن گسترش روال‌ها و روابط و آگاهی و سازمان حیات اجتماعی جهانی است [۴].

با توجه به تعاریف می‌توان دریافت که فرآیند جهانی شدن تمام جوامع را تحت تأثیر خود قرار داده تأثیراتی که می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. این امر درباره تأثیر جهانی شدن بر پیشرفت ایران نیز صادق است، بنابراین برآنیم تا تأثیرات مثبت و منفی جهانی شدن بر ایران را مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. همان گونه که پیش از این گفته شد اکثر جامعه‌شناسان تأثیرات جهانی شدن را در سه بعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار داده‌اند، ما نیز بر همین سیاق عمل خواهیم کرد.

۲.۱.۱. فرهنگی:

به جرأت می‌توان گفت که در پروژه‌ی جهانی‌سازی هدف اصلی یکسان‌سازی فرهنگی است که راه را برای سایر مقاصد هموار می‌سازد. ریتزر جهانی شدن فرهنگ را اینگونه تعریف می‌کند: «می‌توان جهانی شدن فرهنگ را بسط فراملی اصول و روال‌های مشترک به شمار آورد یا فرآیند تأثیر متقابل بسیاری از عناصر فرهنگی جهانی و محلی برای خلق اقتباسی یا آمیزه‌ای که منتهی به تنوعی از دورگه فرهنگی (ناهمگونی) می‌شود. روند همگونی اغلب با امپریالیسم فرهنگی توأم است. تأثیر فرهنگی بر فرهنگ‌های دیگر» [۴]. نکته بسیار مهمی که در تعریف ریتزر به چشم می‌خورد بحث امپریالیسم فرهنگی است؛ که می‌تواند به معنای سلطه‌ی فرهنگی غرب و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا باشد.

در این میان کشور ایران با توجه به تاریخ کهن و فرهنگ غنی که در ترکیب با ایدئولوژی اسلام قوام یافته و تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی مدل توسعه‌ای خاص خود را ارائه می‌کند در بسیاری از حوزه‌ها در تضاد و تناقض نسبی با آرمان‌های جهانی‌سازی قرار می‌گیرد و به نوعی تبدیل به آنتی تز جهانی‌سازی غربی می‌شود و از این نقطه رویارویی‌ها شکل می‌گیرد. در یک سو جهان غرب با جهان‌بینی ماتریالیستی و ایدئولوژی لیبرالی و در سویی دیگر ایران اسلامی با جهان‌بینی توحیدی و ایدئولوژی عدالت محور. بنابراین بحث در رابطه با تأثیرات جهانی شدن در ایران با سایر نقاط جهان بسیار متفاوت است. به دلیل تفاوت‌های ماهوی موجود میان دو فرهنگ، در پاره‌ای از موارد این دو در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند و در عین حال تأثیرات متقابلی بر هم دارند، لذا اینگونه نیست که فرهنگ غربی به عنوان فرهنگ مهاجم، از سایر فرهنگ‌ها به ویژه فرهنگ ایرانی-اسلامی تأثیر نپذیرد، اما حقیقت امر این است که جهان غرب به دلیل دارا بودن ثروت و قدرت می‌تواند با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای تأثیر بیشتری داشته باشد. که این تأثیرات فرهنگی باید از دو جهت مثبت و منفی مورد بررسی قرار گیرد.

عمده تأثیرات مثبت عبارتند از:

- ۱- امکان انتقال و معرفی ارزش‌ها ایرانی اسلامی به جهانیان با استفاده از بستر به وجود آمده.
- ۲- امکان برقراری ارتباط مستقیم با دیگر مردمان و دیگر فرهنگ‌های مستقر در کره خاکی و استفاده از ظرفیت‌های موجود در این حوزه.
- ۳- تأثیرپذیری از نقاط قوت سایر فرهنگ‌ها با لحاظ گزینش فرهنگی.

بی شک در کنار این تأثیرات مثبت تأثیرات منفی زیادی نیز از این رهگذر بر جامعه ما تحمیل می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- بحران هویت ۲- بحران ارزش‌ها و در نتیجه: ۳- بحران در خانواده ۴- تشدید آسیب‌های اجتماعی هر کدام از این چالش‌ها می‌تواند در زمینه‌های مادی و معنوی در مسیر پیشرفت ایران ایجاد خلل نماید. لذا شناسایی و کنترل این چالش‌ها امری ضروری در حد وجوب هست.

۲.۲.۲. اقتصادی:

در بعد اقتصادی نیز به دلیل قدرت مافوق و عطش تکاثر غرب، جهانی شدن در راستای تأمین اهداف نظام سرمایه‌داری پیش می‌رود تا بیش از پیش بر قدرت و ثروت جهان غرب بیافزاید و سلطه سرمایه‌داران را بر سایر ملل جهان تحمیل نمایند. ژوزفای استیگر اقتصاددان برنده جایزه نوبل و رئیس شورای مشاوران اقتصادی ضمن انتقاد از بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول معتقد است این سازمان‌ها به جای حل و فصل بحران‌های اقتصادی جهانی آن‌ها را بدتر می‌کنند. استیگر رویکرد همگون‌سازی صندوق بین‌المللی پول را به باد انتقاد می‌گیرد و معتقد است که تفاوت‌های ملی را به حساب نمی‌آورد. از نظر وی صندوق بین‌المللی پول به طور اخص و جهانی شدن به طور اعم به نفع کشورهای ثروتمند خاصه آمریکا و به ضرر کشورهای فقیر است و شکاف بین غنی و فقیر در اثر جهانی

شدن بیشتر شده است. جهانی شدن اقتصاد عموماً مصرف کالاهایی را به دنبال می‌آورد که عمدتاً تولید کمپانی‌های بزرگ چند ملیتی‌اند و در پس آنها چند سرمایه‌دار غربی یا بهتر بگوییم (کارتل‌های وابسته) قرار دارد. بنابراین مصرف این کالاها عملاً موجب خروج سرمایه‌های مادی از کشور و تقویت نظام سرمایه‌داری بیگانه است و از سویی موجب کاهش تولید داخلی و عواقب ناشی از آن (بیکاری، فقر مضاعف و در نتیجه انحطاط اخلاقی) است لذا یکی از چالش‌های اساسی در بعد اقتصاد همین مسأله می‌باشد. یکی دیگر از چالش‌های مهم در اقتصاد ملی که از دستاوردهای جهانی شدن می‌باشد مشکلاتی است که در حوزه نظام بانکی و مبادلات اقتصادی به وجود می‌آید و حتی کشور را دچار بحران می‌نماید. از طرفی اگر کشوری نخواهد یا به دلایلی مانند تحریم و ... از پیوستن به چرخه‌ی اقتصاد جهانی باز ماند رونق و پیشرفت اقتصادی اش با مشکل مواجه می‌شود. همان گونه که اشاره شد غرب در گذر جهانی شدن به دنبال بسط و سلطه همه جانبه بر جهان است. و این اساسی‌ترین مشکل کشور است.

۲. ۲. ۳. سیاسی:

در بعد سیاسی نیز جهانی‌سازی به طور روزافزون موجب همگونی نسبی حکومت‌ها و دولت‌ها می‌شود. جورج ریتزر معتقد است: «پاره‌ای از کسانی که با دیدگاه همگون‌سازی در این قلمرو کار می‌کنند بر گسترش جهانی مدل‌های دولت ملی و ظهور شکل‌های مشابه حکومتی در سراسر جهان تکیه می‌کنند، به عبارت دیگر رشد مدل کم و بیش یگانه‌ای از حکومت در همه‌ی جهان جاری است». آنچه مسلم به نظر می‌رسد نقش سازمان‌های فراملی در روزگار کنونی آنچنان است که به راحتی می‌توانند برای حکومت‌ها مشکلاتی ایجاد کرده و موانعی بتراشند به خصوص اگر حکومتی خارج از اراده و میل و اهداف بازیگران اصلی آن عمل کند. بنابراین در حوزه سیاست، جهانی شدن برای حاکمیت‌های مستقلی چون ایران اسلامی که بدون تکیه بر قدرت‌های سلطه‌گر درصدد پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود هستند موانع چالش برانگیزی را ایجاد می‌کنند. که نمونه بارز آن تحریم‌های ظالمانه به بهانه (برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران) می‌باشد.

۳. بحث و پژوهش:

عمده چالش‌هایی که در مسیر پیشروی پیشرفت ایران مطرح شد در سه بخش: فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خلاصه می‌شود.

۳. ۱. فرهنگی:

در پروژه جهانی‌سازی، استکبار غرب در پی آن است تا با یکسان‌سازی فرهنگی بر جهان مسلط شود، در این نوع جهانی‌سازی ابزارهای نوین ارتباطی نقش تجهیزات جنگ سخت (تفنگ و سرنیزه) در استعمار قدیم را بازی می‌کنند. در این نگاه، یکسان‌سازی فرهنگی نتیجه‌ای جز تضمین بقای نظام سرمایه‌داری و افزایش قدرتش ندارد. زیرا در سایه این سلطه شوم فرهنگ عامه مردم جهان را در جهت اهداف و خواسته‌های خود آنچنان تنظیم می‌کند که جهان را تبدیل به بازاری برای مصرف کالاهای تولیدی خود کرده و مردمان تحت سلطه را تبدیل به بردگانی بی‌آزار، مطیع و

مصرفی می نماید که نتیجه حتمی آن چیزی جز فقر و فساد فرهنگی و اخلاقی نخواهد بود. و این یعنی انحطاط جوامع تحت سلطه، چیزی که هدف نهایی سلطه گران است.

حال این جریان چگونه پیشرفت ایران را با چالش مواجه می سازد؟

ترویج سبک زندگی غربی که در تضاد با روح اسلامی است در میان ایرانیان نیز می تواند موجب بروز انواع مشکلات و آسیب های اجتماعی همچون بحران هویت، بحران معنا و بحران در خانواده شود که هر کدام از این موارد چالش هایی را برای حاکمیت می آفریند و موجب می شود که سرمایه های مادی، معنوی و انسانی زیادی که می توانست در خدمت توسعه و پیشرفت کشور باشد هدر رود. یکی دیگر از چالش های این روند جهانی سازی، جهت دهی منفی به افکار عمومی جامعه و بدبین ساختن مردم نسبت به نظام و تشکیل اپوزوسیونی مزاجم در داخل کشور می باشد که می تواند در مسیر پیشرفت اختلال ایجاد کند.

۳. ۲. اقتصادی:

در این نوع جهانی سازی سازمان های بین المللی نیز سیاست هایی اتخاذ می نمایند که منافع کشورهای قدرتمند را تأمین نماید و توجهی به کشورهای در حال توسعه و فقیر ندارند. هر چند به ظاهر حمایت های مالی هم انجام می دهند اما این حمایت ها نیز در جهت منافع غرب و وابستگی روزافزون کشورهای جهان سوم است. امروزه غرب به کمک جهانی سازی هدفمند بر جریان مبادلات اقتصادی دنیا اشراف کامل دارد و به راحتی می تواند با توجه به اهرم های فشاری که در اختیار دارد فعالیت تجاری کشوری را با سایر جهان محدود سازد. کما اینکه در سال های اخیر تحریم های اقتصادی ظالمانه و خصمانه ای را بر علیه ایران اعمال کرده و چالشی های زیادی را در مسیر پیشروی پیشرفت ایران ایجاد کردند که به شدت اقتصاد را تحت تأثیر خود قرار داد. از سویی دیگر این نوع جهانی سازی نیازهای کاذب در جوامع به وجود می آورد هر چند که این نیازها عمدتاً کاذباند و در جهت مصرف گرایی ناصواب اعمال می شوند اما نمی توان از آن ها چشم پوشی کرد زیرا این نیاز های ساختگی جامعه را به مصرف گرایی که عمدتاً مصرف کالایی خاص که تولید کارخانجات کشورهای مروج جهانی شدن اند سوق می دهد و موجب خروج ارز از کشور و تضعیف تولیدکنندگان داخلی می شود. که نتیجه حتمی آن بیکاری و فقر است.

۳. ۳. سیاسی:

یکی از مصادیق عینی جهانی شدن در روزگار ما ظهور شکل نسبتاً مشابهی از دولتهاست که عمدتاً بر مبنای دموکراسی کاذب شکل می گیرند. همچنین در این سازوکار محیلانه سازمان های سیاسی بین المللی بوجود می آیند که به راحتی می توانند در امور داخلی کشورها مداخله کنند. به همین دلیل است که برخی از متفکران از افول دولت ملتها سخن گفته و بر کاهش قدرت آن ها اشاره نموده اند. متأسفانه این شرایط ظالمانه بین المللی به طور غیر قابل انکار بر ایران نیز تأثیرگذار است. البته در رابطه با ایران باید بحث استکبارستیزی و استقلال و آزادی که از ارکان اصلی گفتمان انقلاب اسلامی اند را مدنظر قرار داد. زیرا حاکمیت بر خواسته از اراده ملت ایران پایه های

ایدئولوژیکی مبتنی بر مذهب، تضادی ماهوی با غرب دارد که موجب بروز اختلافات عمیق و غیرقابل حل (در اصول) می‌شود و نوعی تقابل ایجاد می‌نماید. بنابراین به این مهم باید توجه داشت که در عرصه‌ی سیاسی چالش‌هایی که برای پیشروی پیشرفت ایران ایجاد می‌شوند عمدتاً در جهت ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی و براندازی آن است. مانند: تحریم‌های همه جانبه به بهانه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای یا تحریم‌های مربوط به نقض حقوق بشر.

۴. تحلیل محققین:

بی شک جهانی شدن به سبک موجود یک پدیده برنامه‌ریزی شده از جانب استکبار برای بسط ارزش‌هایی است که قدرت جهانی غرب را افزایش داده و سلطه آن‌ها را تضمین نماید. در این میان گفتمان انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک رقیب برای جهان غرب مطرح است که خوشبختانه روز به روز بر قدرت و نفوذ آن افزوده می‌شود. جهان غرب که ظهور مدعی جدید و پر مایه‌ای چون تمدن نوین ایران اسلامی را بر نمی‌تابد با تمام توان در مقابل آن صف‌آرایی نموده و تمام تلاش خود را در جهت جلوگیری از پیشرفت و توسعه و قدرتمندتر شدن آن به کار می‌گیرد. در این تقابل ایدئولوژیک، غرب مستکبر با تمام ابزارهایی که در اختیار دارد سعی در ایجاد چالش‌ها گوناگون در مسیر پیشروی پیشرفت ایران می‌نماید. با اینکه جهانی‌سازی را به عنوان طرحی برای تقریب ملل جهان رد نمی‌کنیم مهذا از آنجا که در رابطه با ایران تلاش‌های مغرضانه برای تغییر ارزش‌های اصیل انسانی صورت می‌گیرد لذا چالش‌های جهانی‌سازی بیش از سایر نقاط جهان در ایران مطرح است.

۵. نتیجه‌گیری:

با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با چالش‌هایی که جهانی شدن برای پیشروی پیشرفت ایران ایجاد می‌کند، نتایج زیر حاصل می‌گردد:

- ۱- جهانی شدن فرآیندی هدفمند و برنامه‌ریزی شده جهت یکسان‌سازی جوامع و سهولت سلطه استکبار غرب بر سایر ملل است.
- ۲- فرآیند جهانی‌سازی بیشتر در سه عرصه‌ی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بروز و ظهور دارد.
- ۳- مهم‌ترین عرصه در جهانی‌سازی عرصه فرهنگ است که بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها در این حوزه صورت می‌گیرد.
- ۴- انقلاب اسلامی ایران تضاد ماهوی با اهداف این نوع جهانی شدن دارد.
- ۵- عرصه‌ی جهانی شاهد برخورد تمدن‌های اسلام و غرب است که برای هر دو طرف چالش‌هایی ایجاد نموده است.
- ۶- عمده‌ترین چالشی که جهانی شدن برای پیشرفت ایران ایجاد نموده چالش فرهنگی است (هر چند در عرصه اقتصاد و سیاست هم چالش‌های بزرگی ایجاد کرده است)
- ۷- در جهانی شدن فرهنگ غربی در حین تأثیرگذاری بسیار عمیق بر سایر فرهنگ‌ها تأثیراتی نیز می‌پذیرد.
- ۸- شواهد موجود نشان می‌دهند که در جهان امروز مردمان بیش از هر دوره دیگری به یکدیگر شباهت یافته‌اند.

۹- به دلیل تفاوت‌های عمیق فرهنگی، جهانی شدن در ایران تأثیرات سوئی چون بحران هویت، بحران معنا و در نتیجه آن بحران در خانواده و تشدید آسیب‌های اجتماعی را ایجاد کرده است.

۶. پیشنهادات :

۶.۱. فرهنگی :

- ۱- برای تداوم پیشرفت‌ها در عرصه فرهنگی نیاز به واکسینه کردن مردم به ویژه نسل جوان در برابر هجوم فرهنگی غرب از طریق نهاد های موثر همچون آموزش و پرورش و رسانه های جمعی.
- ۲- تقویت آموزش و پرورش بومی برای تربیت نسل جوان براساس نظام ارزشی اسلامی.
- ۳- توجه به مقتضیات زمان و تولید محتویات فرهنگی مورد نیاز نسل جوان بر اساس موازین مشروع.
- ۴- توجه به خواست‌های ترقی خواهانه و مشروع نسل جوان و پرهیز از سرکوب ایده ها و رفتار های آنها.

۶.۲. اقتصادی:

- ۱- تقویت اقتصاد دانش بنیان با کارمایه بومی.
- ۲- توجه به تولید داخلی و حمایت از تولیدکنندگان ملی.
- ۳- حمایت از طرح‌های اقتصادی نخبگان و بهره‌جویی از آنان در پیشرفت اقتصادی کشور.
- ۴- واکسینه نمودن اقتصاد کشور از طریق اجرای اقتصاد مقاومتی که موجب کاهش حداکثری وابستگی به بیگانگان و تبعات ناشی از آن خواهد شد.
- ۵- توجه و جدیت در راستای ارتقاء سطح کیفی محصولات به منظور افزایش قدرت رقابت هم در داخل و هم در عرصه جهانی که باعث افزایش صادرات غیر نفتی و به تبع آن تقویت بنیه اقتصادی کشور خواهد بود.

۶.۳. سیاسی:

- ۱- تقویت و گسترش گفتمان انقلاب اسلامی و تامین مردم سالاری دینی به عنوان شیوه نوینی از حاکمیت.
- ۲- افزایش قدرت نفوذ در سازمان بین‌المللی و تأثیرگذاری در تصمیمات آن‌ها از طریق افزایش قدرت تقابل فرهنگی، اقتصادی و نظامی.
- ۳- افزایش روابط دیپلماتیک جهت اتحاد و اتفاق موثر با کشورهای مستقل و همسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- افزایش ارتباط و تعامل با نهاد های بین المللی و کشور های مختلف جهان با رعایت حفظ ارزش ها و معیارهای عدالت جهانی.

منابع :

- ۱- نقیب‌السادات، سیدرضا، (۱۳۸۹)، جهانی‌سازی، تهران، انتشارات کتاب صبح
- ۲- مردانی، اسماعیل، (۱۳۷۹)، «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولتها»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲
- ۳- قزسفلی، مجتبی، (۱۳۷۹)، «جهانی شدن، رویارویی یا هم‌زیستی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی شماره ۱۱ و ۱۲
- ۴- ریتزر، جورج، (۱۳۹۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، هوشنگ نایبی، انتشارات نی